

ابوالحسن داوودی از سینمای علمی - تخیلی  
و ارتباط و تأثیرات اجتماعی آن می گوید (بخش اول):



## سینمای علمی - تخیلی یک گونه نیست، یک نگرش است

مرتضی محمدیان

تخیل یا تخیلی، خیالی یا خیال‌پردازانه و تقسیم‌بندی‌هایی از این دست که در ادبیات داستانی با آن‌ها آشنا هستیم، در حیطه‌ی سینما به یک عنوان علمی - تخیلی تبدیل شده است. در حقیقت در حیطه‌ی سینما هم‌همی موارد تحلیلی و تحقیقی در لوای این عنوان قابل دسترسی می‌شود اما عنوان علمی - تخیلی در سینما مدت‌هاست به ساختار و جایگاهی رسیده که به هیچ وجه نمی‌توان آن را در محدوده‌ی گونه‌ی سینمایی قرار داد. در حقیقت سینمای علمی - تخیلی خود به عنوان سینمایی مستقل قابل بررسی و تحلیل است؛ سینمایی که ساختار، شخصیت‌پردازی و قصه‌پردازی، روایت و بیان مخصوص خود را دارد و گاه حتی هیچ نقطه و وجه اشتراکی با سینمای معمول قصه‌گو و واقع‌گرا ندارد.

در سینمای ایران و روایت‌هایی که اصولاً نگاه اجتماعی و خانوادگی دارد و ساختاری کم و بیش واقع‌گرایانه را پی گرفته است، موضوعات علمی - تخیلی تقریباً جایی نداشته است. تنها مواردی که می‌توان بنا به مقطعی از تاریخ سینمایمان مورد اشاره قرار داد تجربیاتی چون «کاکادو»، «هن زمین را دوست دارم»، «سفر جابویی» و نمونه‌هایی از این دست انگشت‌شمار بوده است. البته در خصوص افسانه‌پردازی هم تلاش‌هایی بوده اما به دلیل ساختار، اصولاً نمی‌توان آن‌ها را در ردیف سینمای علمی - تخیلی قرار داد. برای بررسی و تحلیل سینمای علمی - تخیلی، جایگاه کنونی این سینما در جهان و موقعیت ما نسبت به سینمای جهان در این خصوص، به گفت‌وگو با «ابوالحسن داوودی» نشستیم. داوودی یکی از معدود کسانی است که تلاش‌هایی در این زمینه تبدیل به تنها نقطه‌ی قابل رجوع شده است. از سوی دیگر اشراف او به مسایل روز سینمای جهان و همچنین آشنایی با موضوعات سینمای ایران و قدرت تحلیل موضوعات اجتماعی، این فیلمساز را بهترین گزینه برای تحلیل و بررسی این مبحث معرفی می‌کند. ارتباط موضوع‌های طرح‌شده، زمینه‌هایی که به نوعی دلیل ناکارآمد شدن تلاش‌هایی در این راستا بوده و همچنین علت گریز سینمای ایران از این ساختار، از موضوعاتی است که در این گفت‌وگو به شما خوانندگان محترم ارائه شده است.

بسناری بین مفاهیم تخیل یا تخیلی و خیال، خیالی یا خیال‌پردازانه تفاوت‌هایی قابل هستند؛ به عنوان مثال تخیل یا تخیلی را نزدیک یا متعلق به دنیای پریان یا قصه‌های افسانه‌گون و به بیان امروزی، آثار علمی - تخیلی و از این دست می‌دانند و خیالی یا خیال‌پردازانه را در محدوده‌ی واقع‌نگری‌های خاص یا دسته‌بندی واقع‌های اجتماعی بنا به منظور و هدفی خاص برمی‌شمارند. ترجمان شما از این دو عبارت چیست و آن را در سینمای جهان و سینمای ایران چگونه به تحلیل می‌نشینید؟

تعریفی که از سینمای علمی - تخیلی در سینمای جهان سراغ داریم با آن چه بنا به کارهای منفعل و کوتاهی که غالباً در سال‌های گذشته در سینمای ایران شاهد بودیم، تفاوت‌های اساسی دارد. این تفاوت‌ها به اندازه‌ی بی‌استی که حتی تعریف اولیه از این نوع سینمایی را نیز در بر می‌گیرد. سینمای علمی - تخیلی در جهان معنا و مفهومی فراتر از یک گونه یافته است. به این مفهوم که اگر بخواهیم ارزیابی مقایسه‌ی از گونه‌های سینمایی ارایه دهیم، مرکب‌ترین و گسترده‌ترین گونه‌ی سینمایی، علمی - تخیلی معرفی می‌شود، چرا که این گونه یا نوع از سینما تمامی موضوعات و اشکال سینمایی که بعضاً حتی به عنوان یک گونه‌ی مستقل تحلیل و بررسی می‌شود را در خود جای می‌دهد. در حقیقت سینمای علمی - تخیلی تقریباً - یا حتی می‌توان گفت تحقیقاً - با پیدایش سینما آغاز شد.

معذرت می‌خواهم، همان‌طور که فرمودید وسعت سینمای مورد اشاره چنان گسترده است که وقتی می‌گویید سینمای علمی - تخیلی با پیدایش سینما آغاز شد، ناچارم این توضیح را بخواهم که چه بعدی از این نوع سینمایی را مد نظر دارید؟

اولین فیلم‌های سینمایی که ساخته شده نوعی نمایش‌های علمی - تخیلی بودند که سعی داشتند با فاصله گرفتن از واقعیت‌های موجود در جامعه و پدید آوردن ویژگی‌های بصری ویژه، که اصولاً از فکر و ایده و تخیل فیلمساز برمی‌خاست، رجوعی دیگرگونه به همان واقعیات اجتماعی داشته باشند؛ گرایشی که به تدریج در روند تکامل سینما پیچیده‌تر، گسترده‌تر و متنوع‌تر شد تا این‌که به شکل امروزی رسید، به گونه‌ی که امروزه هیچ گونه‌ی را نمی‌توان سراغ گرفت که دارای چنین تنوع موضوعی و البته کاربردی باشد. از ویژگی‌های سینمای علمی - تخیلی آن است که ضمن ایجاد سرگرمی و تفریح، این قابلیت را هم دارد که به موضوعات جدی‌تر، نسبت به گونه‌های دیگر، با عمق بیش‌تری بپردازد تا جایی که حتی می‌تواند منعکس‌کننده‌ی بدیع‌ترین و شگفت‌انگیزترین اندیشه‌ها و تفکرات بشری می‌شود؛ یعنی به همان اندازه که می‌تواند تفکرات مذهبی را در این نوع فیلم‌ها سراغ گرفت، می‌تواند جدیدترین دیدگاه‌های فلسفی، علمی، روانشناختی، اجتماعی و حتی سیاسی را بسیار وسیع‌تر و صریح‌تر از فیلم‌های اجتماعی، واقع‌گرایانه و دیگر گونه‌های سینمایی مشاهده کرد. نکته‌ی جالب این که برخی از این موضوعات را هرگز نمی‌توان در گونه‌ی جز گونه‌ی علمی - تخیلی مطرح کرد. مسایلی همچون موضوعات سیاسی، اجتماعی و علمی که طرح آن‌ها در یک فیلم اجتماعی - سیاسی یا هر نوع دیگر جز علمی - تخیلی می‌تواند تبعات بی‌شماری به وجود بیاورد، در یک فیلم علمی - تخیلی نه تنها مشکلی به وجود نمی‌آورد، که حتی به بهترین نحو ممکن به مخاطب منتقل می‌شود.

پس بنا به گستره‌ی که از سینمای تخیلی اشاره شد مقیاس‌ها از وسعت



یکی از ویژگی‌های بارز  
سینمای علمی - تخیلی آن  
است که حد و مرز و سقفی  
که دیگر گونه‌های سینمایی  
را دچار محدودیت می‌کند،  
شکسته و قابلیت بیان  
آزادانه‌تر برای فیلمساز  
فراهم می‌آورد

که اعتراض به نظام آموزشی آمریکا معرفی می‌شود یا نمونه‌هایی از این دست در نظر بگیریم، گرایشات اخلاقی و زبان سیاسی - اجتماعی و به‌ویژه گرایشات مذهبی - دینی در آثار تخیلی مدام قوت گرفته و می‌گیرد، تا جایی که فیلمی مثل کنستانتین و ماتریکس از پس فلسفه‌هایی خاص و بدیع بیرون می‌آید. از نظر شما چه چیزی سینمای ما را از چنین زبانی برای آرایه‌ی اندیشه‌های فرهنگی و انسانی دور می‌کند و به یک سینمای یکنواخت با ساختاری مشخص که فراز و نشیبش هم در همین محدوده دیده می‌شود، سوق می‌دهد؟ آیا این به مفهوم محدودیت‌سازی در زبان که مهم‌ترین ابزار انتقال مفاهیم و پیرو آن ارتقای فرهنگی محسوب می‌شود، نیست؟

مشخص است که موقعیت ما در این عرصه با سینمای جهان قابل قیاس نیست. من نمی‌خواهم آن بحث همیشگی میزان آزادی یا سانسور یا محدودیت‌ها را مطرح کنم، که به هر حال امر مشخص و واضحی است. به واقع ما در شرایطی قرار داریم که نسبت به اندیشه‌های متفاوت و اجابتاً حضور آن‌ها یا ورود آن‌ها نگرانی وجود دارد هر اندیشه‌ی در زمینه‌های اعتقادی، سیاسی و یا اجتماعی را مزاحم می‌دانند و حتی در مورد هنر - که پیچیده‌ترین و محکم‌ترین شکل ارتباط بشری است - ترجیح می‌دهند که یک شکل واحد داشته باشد، یعنی قالب‌ها و بلوک‌هایی که با آن صرفاً دیوارهای مورد نظر خود را بسازند حتی این شکل واحد را به دنیا هم تعمیم داده و معتقدند در سرتاسر دنیا باید این شکل آن گونه‌ی باشد که ایشان تعریف می‌کنند و این به معنای مرگ هنر است. فارغ از دنیای سینما، همین مسئله را در عرصه‌ی ادبیات، هنرهای تجسمی و نقاشی هم داریم اما از آن جایی که سینما ترکیبی از همه‌ی این هنرها و تئوری‌ها و حتی علوم است و مخاطب گسترده دارد با حساسیت بیش‌تری به آن نگاه شده و چارچوب‌های بیش‌تری برای آن ترسیم می‌شود طبعاً تا زمانی که این نگرش برطرف نشود و آدم‌ها نسبت به خود و دانسته‌هایشان باورمند نشوند و نگرش خود را مرکز عالم بدانند و هیچ تفکر دیگری را نپذیرند، ما حتی امکان بحث در این مورد را هم نداریم. ما زمانی می‌توانیم وارد چنین فضایی بشویم که نسبت به داشته‌ها و باورهایمان چنان آگاه و محکم باشیم که از هیچ همجواری با دیگر نگرش‌ها و تفکرها ترسی نداشته باشیم. روند تاریخی جوامع مختلف نمودار این امر غیرقابل رد است که هرگز در یک آزادی نظاممند و قانون‌مند ابراز سلیقه‌ها، گرایشات و تفکرهای دیگر خطری محسوب نمی‌شود، چرا که در این صورت این درک عمومی جامعه است که به آزادی تصمیم می‌گیرد تا چه حد به هر یک بها بدهد.

بنابراین موضوع سرگرمی یا سینما به عنوان سرگرمی هم در همین قالب قرار می‌گیرد

ادامه دارد

بیش‌تری برخوردار می‌شوند و ناگفته‌ها در نامحدوده‌ی ظرف‌های مکان و زمان و البته مفاهیم، مجال بیش‌تری برای بیان به دست می‌آورند. یکی از ویژگی‌های بارز سینمای علمی - تخیلی، که حتی شاید بتوان آن را منحصر به فرد معرفی کرد، آن است که حد و مرز و سقفی را که دیگر گونه‌های سینمایی را دچار محدودیت می‌کند، شکسته و قابلیت بیان آزادانه‌تر را برای فیلمساز فراهم می‌آورد. در واقع ما در سینمای اجتماعی یا سیاسی و یا حتی مولودرام قواعدی داریم که این قواعد دارای سقف مشخصی است و به‌طور عملی مجاز به شکستن و فراتر رفتن از آن حد نیستیم؛ به عنوان مثال در سینمای اجتماعی همه چیز حول محور وقایع ممکن قرار می‌گیرد اما در سینمای علمی - تخیلی هر امکانی می‌تواند وجود داشته باشد، به عبارت دیگر هرگز غیرممکنی برای این نوع سینمایی وجود ندارد. به دلیل چنین بُعد گسترده و شاید بی‌نهایتی، به‌طور طبیعی می‌توان در هر زمینه‌ی آزادانه‌تر عمل کرد.

به نظر نمی‌رسد که به صرف سرگرمی، این نوع سینما با چنین استقبالی روبه‌رو شده باشد؛ از نظر شما چه مشخصه‌های دیگری سینمای علمی - تخیلی را با استقبال گسترده‌ی نسبت به گونه‌های دیگر سینمایی مواجه کرده است؟

انسان همیشه در پی نوآوری بوده و ذهن کنجکاوش همواره به سمت موضوعات نو گرایش داشته است، بنابراین به نظر من، از آن جایی که ذهن بشر نیازمند این چالش است و مدام در پی دستیابی به فضایی فراتر از فضای پیرامونی خود است و ناشناخته‌ها او را به سوی خود جذب می‌کند، گرایش به تخیل و خلاقیت و پدیده‌های جدید جنابیتی را برای او پدید می‌آورد که حاصل آن می‌تواند استقبال از سینمای علمی - تخیلی را هم زیرمجموعه‌ی خود کند این موضوع در سینمای علمی - تخیلی سال‌های اخیر در سینمای جهان به نوع خاصی قوت گرفته است، به طوری که نه تنها ساختارهای سینمایی شکسته یا به عبارت صحیح‌تر وسعت یافته بلکه قواعد علمی و تئوریک هم به نوع ویژه‌ی شکسته شده است. فلسفه‌ی علمی با توجه به گستره‌ی نوینی که ایجاد نموده است به سینمای علمی - تخیلی راه یافته و حاصل آن آثار ارزشمندی شده که در سطح وسیعی مخاطب جهانی را به خود جلب کرده است. بنابراین اگر در این سینما، ذهنیتی را بتوان به فرم و ساختار سینمایی تبدیل کرد یا برای آن ساختار سینمایی نوینی تعریف کرد و ارتباط منطقی با مخاطب را هم حفظ کرد، به‌طور یقین می‌توان مخاطب جست‌وجوگر را جذب کرد و شرایطی را پدید آورد که در گونه‌های دیگر سینمایی امکان‌ش وجود ندارد.

تالکین خالق آراباب حلقه‌ها و پروفیسور ادبیات آکسفورد معتقد است تخیل فرار از واقعیت نیست بلکه فرار به سوی واقعیت است. اگر زبان اعتراض در فیلم‌های تخیلی را مثل قسمتی از فیلم هری پاتر